

## لذت بردن از تثلیث

نویسنده: مایکل ریوس

«خدا محبت است» (اول یوحنا ۴: ۸). این سه کلمه چقدر نشاطبرانگیزند. سرشار از زندگی، زیبا و به گرمای ترق و تروق آتش هستند. اما در خصوص «خداوند تثلیث است» چه؟ خیر، آن تاثیر را ندارند: این جمله سرد و سنگین به نظر می‌رسد. کاملاً قابل درک است، ولی مسیحیان باید واقعیتی را که در پس بیان احتمالاً سرد ابراز می‌شود دریابند. بلی، تثلیث را می‌توان یک عقیده‌ی جزمی کهنه و بی‌ربط قلمداد کرد، اما حقیقت این است که خداوند محبت است زیرا خداوند تثلیث است.

غرق شدن در تثلیث فرصتی است برای چشیدن و دیدن اینکه خداوند نیکوست، فرصتی برای اینکه قلب شما سرشار از محبت و جانتان تازه گردد. زیرا فقط زمانی که معنای تثلیث بودن خداوند را فهم کنید به راستی قادر به درک زیبایی، محبت سرریزکننده، و جذابیت فوق‌العاده‌ی خداوند خواهید شد. اگر تثلیث چیزی بود که می‌شد از خدا مجزا کرد، این مجزا کردن به معنای آن نمی‌بود که او را از یک بار آزاردهنده خلاص کرده‌ایم؛ برعکس، دقیقاً آنچه را در خداوند لذت‌بخش است از او می‌گرفتیم. خداوند خدای تثلیث است، و در همین تثلیث است که او خوب و مطلوب است.

می‌خواهم این مطلب را برای شما شرح دهم.

## شروع کردن با عیسی

بنیان ایمان ما خود خداوند است و هر جنبه‌ای از انجیل فقط تا به آنجا مسیحی است که بیان و عمل این خدا، خدای تثلیث، باشد. من می‌توانم به مرگ مردی به نام عیسی باور داشته باشم؛ می‌توانم به رستاخیز جسمانی او باور داشته باشم؛ حتی می‌توانم به رستگاری فقط با فیض باور داشته باشم؛ اما اگر به خدای تثلیث باور نداشته باشم اصلاً مسیحی نیستم. بیایید این مطلب را در کتاب مقدس ببینیم.

یوحنا، نویسنده‌ی انجیل، می‌گوید انجیل را نوشتم «تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید» (انجیل یوحنا ۲۰: ۳۱). این یک بیانی‌هی ماموریت تحسین‌برانگیز از نظر یک مبشر است: مشاهده‌ی اینکه کسی به راستی به مسیح ایمان آورد. اما حتی این دعوت ابتدائی به ایمان به پسر خداوند، دعوت به ایمان به تثلیث است. عیسی را پسر خداوند می‌گویند. خداوند پدر اوست. او عیسی است، همان که با روح القدس تعمید شد. اگر با عیسی کتاب مقدس شروع کنید به تثلیث می‌رسید.

اسم «عیسی مسیح، پسر خداوند» پنجره‌ای رو حیات ابدی و اصلی خدای ماست. عیسی در انجیل یوحنا ۱۷: ۲۴ در دعایش می‌گوید: «ای پدر... تو مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی». این همان خدایی است که در

عیسی مسیح آشکار شد. پیش از آنکه دست به آفرینش بزند، پیش از آنکه بر جهان حکم کند، پیش از هر چیز دیگری، این خداوند پدر بامحبت پسرش در روح‌القدسش بود.

پدر پسر را به شیوه‌ی بسیار خاصی دوست می‌دارد و اگر به تعمیم عیسی دقت کنیم متوجه این مطلب می‌شویم:

اما عیسی چون تعمیم یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید. آنگاه خطابی از آسمان در رسید که این است پسر حبیب من که از او خشنودم. (انجیل متی ۳: ۱۶-۱۷)

در اینجا پدر محبتش به پسر و خشنودی‌اش از او را اعلام می‌کند، و این کار را زمانی که روح‌القدس بر عیسی فرود می‌آید انجام می‌دهد. خداوند برای اعلام محبتش روح‌القدس را نازل می‌کند. مثلاً، در رومیان ۵: ۵، پولس می‌گوید خداوند با روح‌القدس محبت خود را به قلوب ما می‌ریزد. پس پدر نیز برای اعلام محبتش به پسر روح‌القدس را می‌دهد.

به بیان دیگر، سخن از «تثلیث» چیزی نیست به جز سخن از خدایی که در عیسی آشکار شد، خدایی که در انجیل مشاهده می‌کنیم. تثلیث محصول تاملات انتزاعی نیست، و وقتی از عیسی سخن می‌گویید، یعنی از پسر پدر که با روح‌القدس تعمیم شد، از خدای تثلیث سخن می‌گویید.

### لذت بردن از آنچه به پسر متعلق است

چرا خداوند پسر را برای ما فرستاد؟ یک دلیلش آن بود که ما سقوط کرده و گناهکاریم. دلیل دیگر اینکه خدا جهان را دوست می‌داشت، با اینکه ما طغیان کرده بودیم (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۳: ۱۶). همین مطلب به اندازه‌ی کافی شگفت‌انگیز است، اما جلوتر در همان انجیل یوحنا، عیسی دلیل اساسی‌تر و مهمتری را بر زبان می‌آورد. او ضمن دعا در حضور پدر می‌گوید:

ای پدر عادل، جهان تو را نشناخت، اما من تو را شناختم؛ و اینها شناخته‌اند که تو مرا فرستادی. و اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نموده‌ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم. (۱۷: ۲۵ - ۲۶).

به بیان دیگر، پدر پسرش را فرستاد تا خودش شناخته شود، معنایش این نیست که او صرفاً می‌خواست اطلاعاتی راجع به خودش به دیگران بدهد، بلکه محبت ابدی پدر به پسر شاید در کسانی که به او ایمان آورند قرار گیرد، و شاید ما نیز همچون پدر از پسر لذت ببریم. پس در اینجا نوعی رستگاری هست که هیچ خدای تک‌شخصیتی، حتی اگر می‌خواست، نمی‌توانست عرضه کند: پدر چنان از محبت ابدی‌اش به پسر مسرور است که مایل است آن را با همه‌ی کسانی که ایمان خواهند آورد به اشتراک گذارد. در نهایت، خداوند پسر را فرستاد زیرا پدر به پسر

بسیار محبت داشت و می‌خواست آن محبت و همراهی روح‌القدس را به اشتراک بگذارد. محبت پدر به جهان در واقع مملو از محبت بی‌کران او به پسرش است.

برکات خداوند قطراتی نیست که او از دور بر ما بریزد و نجات او چیزی نیست که از راه دور انجام شود. این طور نیست که خالق فقط دل به حال ما بسوزاند و ما را ببخشد. او همه‌ی برکاتش را به پسرش می‌دهد و سپس او را می‌فرستد تا ما از پری جلال او بهره‌مند شویم. پدر چنان ما را دوست دارد که می‌خواهد در مشارکت پر محبتی، که او همراه با پسر و روح‌القدس از آن لذت می‌برد، حضور داشته باشیم. به علاوه، این سخن بدین معنی است که ما خدا را چنان که به راستی هست می‌شناسیم: به عنوان پدر. در واقع، می‌توانیم پدر را پدر خود بدانیم.

در انجیل یوحنا ۱: ۱۸ گفته می‌شود خدای پسر تا ابد در آغوش یا بر روی پاهای پدر است. انسان جرات تصورش را ندارد، اما عیسی می‌گوید خواسته‌ی او این است که ایماندارن نیز همراه با وی در آنجا باشند (۱۷: ۲۴). درست به همین دلیل پدر او را فرستاد: به امید اینکه ما کسانی که او را انکار کردیم شاید برگردانده شویم، نه به عنوان مخلوقات، بلکه به عنوان فرزندان، تا از محبت سرشاری که پسر همواره از آن برخوردار بوده لذت ببریم.

### لذت بردن از خداوند

جی. آی. پکر می‌نویسد:

اگر می‌خواهید در خصوص فهم یک شخص از مسیحیت قضاوت کنید، ببینید نظرش راجع به این فکر که فرزند خداست و خدا پدرش است چیست. اگر این فکر دعا و نیایشش و نگرش کلی‌اش به زندگی را انگیزه ندهد و کنترل نکند مشخص می‌شود اصلاً درک خوبی از مسیحیت ندارد.

در واقع، وقتی شخصی عمدتاً و با اعتماد به نفس خدای متعال را «پدر» می‌نامد، معلوم می‌شود متوجه‌ی نکته‌ای اساسی و زیبا راجع به کیستی خدا و علت نجات خودش شده است. به علاوه، این نگاه توجه قلب ما را معطوف به خداوند می‌کند! این واقعیت که خدای پدر از اینکه دیگران را در محبتش به پسر سهیم کند و به عنوان پدر آنها شناخته شود خوشحال می‌شود نشانگر آن است که او تا چه اندازه مهربان و رحیم است.

خدا را پدر خود دانستن نه تنها منجر به شادی بیشتر ما می‌شود، بلکه آرامش و لذت عمیقی به ما می‌دهد. افتخار اینکه خداوند پدر ما باشد حیرت‌انگیز است. فرزند پادشاهی ثروتمند بودن دلپذیر است، اما محبوب فرمانروای عالم بودن وصف ناپذیر است. بدیهی است نجاتی که این خدا عرضه می‌کند از تمامی بخشش‌ها بهتر و قطعاً امن‌تر است. سایر خدایان نیز ممکن است ببخشند، اما این خدا ما را به عنوان فرزندانش خوشامد می‌گوید و در آغوش می‌گیرد و هرگز ما را از خود دور نمی‌کند. او دست به بازی «آیا دوستم دارد، آیا دوستم ندارد» نمی‌زند و لازم نیست برای محبوب بودن نزد او رفتاری بی‌عیب و نقص داشته باشیم. خیر، «و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت

داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (انجیل یوحنا ۱: ۱۲). عیسی تضمین می‌کند تا ابد از محبت خدا بهره‌مند خواهیم شد.

### دل‌ها می‌درخشند

زندگی فرزندان شما به چه نحو است؟ ایمان شما چه شکلی دارد؟ در نهایت، همه چیز بستگی به تصور شما از خدا دارد. اینکه خدا کیست بر همه چیز اثر می‌گذارد. خدایتان کدام است؟ کدام خدا را بندگی می‌کنید؟ بدون عیسای پسر نمی‌توانستیم بدانیم که خداوند واقعاً پدری بامحبت است. بدون عیسای پسر، نمی‌توانستیم بدانیم خداوند پدر بامحبت ماست. اما همانطور که مارتین لوتر می‌گوید، ما از طریق عیسی پی می‌بریم خداوند پدر ماست، و «می‌توانیم درون قلب پدرانه‌اش را ببینیم و مشاهده کنیم که محبتش به ما بی حد و مرز است. این گونه دل‌هایمان گرم می‌شود و می‌درخشد.»

دکتر مایکل ریوس رئیس و استاد الهیات، مدرسه‌ی الهیات یونیون در ولز است. وی همچنین رئیس شبکه‌ی الهیدانان اروپاست. او نویسنده‌ی چند کتاب از جمله *Rejoicing in Christ* بوده و مدرس ارشد سری آموزشی لیگونیر با موضوع *The English Reformation and the Puritans* می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک](#) منتشر شده است.